تبلیغ بیش از حد هولوکاست ، همه را خسته کرده

مجله " بارنز ریویو " (TBR) درمقاله‌ای به نوشته " میش کولینز پاپیر " به تحلیل نفوذ هولوکاست به زندگی مردم آمریکا پرداخته است و می‌نویسد: در طول چندین سال گذشته گه‌گاه سیاهپوستان آمریکایی به عنوان مأمور اعتصاب در مقابل موزه یادبود هولوکاست در واشنگتن گمارده می‌شدند و از این موضوع شگفت زده می‌شدند که بازدید کنندگان موزه تابلوهایی با این عنوان در دست داشتند "هولوکاست خسته‌کننده است ". اکنون " پیتر نوویک "، دانشمند یهودی آمریکایی تأیید می‌کند که مردم از تمامی نژادها، کیش‌ها و رنگ‌ها، سوالاتی در این خصوص دارند که چرا رسانه‌ها و گروه‌های یهودی همواره بر " هولوکاست " تمرکز دارند و می‌پرسند که آیا هولوکاست واقعاً در زندگی آمریکایی‌ها اهمیت دارد؟

• تبلیغ خسته کننده هولوکاست

بسیاری از مردم وقتی از چاپ کتابی دیگر در مورد موضوع هولوکاست (که باید مطالعه شود)، آگاه می‌شوند احتمالاً (بطور کاملاً طبیعی) این پاسخ را می‌دهند که: "نه، بازهم کتابی درمورد هولوکاست! " آخرین مورد از سری، از قرار معلوم بی‌پایان کتاب‌ها، فیلم‌ها، مستندها، مقالات و ... در مورد هولوکاست، کتاب "هولوکاست در زندگی آمریکایی‌ها " نوشته "پیتر نوویک " استاد دانشگاه شیکاگو است.

با این حال کتاب نوویک نباید نادیده گرفته شود؛ حتی از سوی کسانی که از موضوع هولوکاست خسته شده‌اند یا کسانی که در افسانه‌ها و داستان‌هایی فرو رفته‌اند که مربوط به بحث در مورد آنچه آلمان‌ها در جنگ جهانی دوم با 6 میلیون (یا 7 میلیون و یا بیشتر) یهودی انجام داده‌اند – یا نداده‌اند - است. در واقع کتاب نوویک مملو از شگفتی است، و چشم‌اندازهایی نو برای درک آنچه در جنگ جهانی دوم رخ داده است را بروی انسان می‌گشاید – برخلاف آنچه در قالب صنعت هولوکاست به ما گفته شده است - و نشان می‌دهد که چگونه این موضوع به عنوان یک ابزار برنامه‌ریزی شده سیاسی و اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

TBR در تحلیل این کتاب می‌افزاید: کتاب نوویک فاش می‌سازد که در میان رهبران یهودی – خصوصاً در جامعه یهودیان آمریکا - پذیرفته شده است در اثر پرداختن مداوم جامعه یهود و رسانه‌ها به موضوع هولوکاست، در میان جامعه خستگی رو به رشدی – و اگر بخواهیم حقیقت را بگوییم عدم بردباری - نسبت به این موضوع ایجاد شده است؛ هرچند رهبران یهودی این مسئله را بسهولت و بطور علنی تأیید نمی‌کنند.

براساس کتاب نوویک بسیاری از رهبران یهودی از رشد جمعیت اسپانیولی‌ها، سیاهان و آسیایی‌ها (و قدرت سیاسی آن‌ها) در آمریکا که در جنگ جهانی دوم در اروپا هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند (و هیچ ارتباطی با آن نداشته‌اند) نگران هستند. رهبران یهودی دریافته‌اند که این گروه‌ها با سوءظن به استمرار مسئله قربانیان هولوکاست می‌نگرند و ممکن است این خطری فزاینده برای منافع یهودیان در آمریکا و سرار جهان باشد.

حتی " الی ویزل " (که شاید مشهورترین نجایت‌یافته هولوکاست در تاریخ باشد) می‌گوید که نهایتاً مردم خواهند گفت "کافیست ... ما نمی‌توانیم هر روز این مسائل را تحمل کنیم " ... و یهودیان خود آماده جوابگویی به این موضوع نیستند. ویزل می‌پرسد: " پاسخ شما به این واکنش چیست؟ "

بطور خلاصه مردم – بسیاری از مردم از نژادها، مذهب‌ها و رنگ‌های مختلف در آمریکا و همه جای جهان - از شنیدن " هولوکاست " خسته شده‌اند.

بسیاری از یهودیان آمریکا (و یهودیان سراسر جهان) از آنچه عموماً "انکار هولوکاست " نامیده می‌شوند احساس خطر کرده‌اند اما نوویک در خصوص این موضوع بحث‌برانگیز نگرشی متفاوت دارد. گرچه او گزارش "رسمی " هولوکاست که در رسانه‌ها و محیط دانشگاهی شایع است را قویاً باور دارد، اما معتقد است که سازمان‌های یهودی وقت و انرژی بسیار زیادی را برای سرکوب کسانی که این گزارش رسمی را به چالش کشیده‌اند، صرف می‌کند.

• ارقام و داستان‌های ساختگی در مورد قربانیان هولوکاست

با این حال او خود آتش "منکران هولوکاست " را شعله‌ورتر می‌کند و اظهارات اخیر شکارچی خودخوانده نازی‌ها، "سایمون ویزنثال "، را مورد موشکافی قرار می‌دهد؛ ویزنثال مدعی شده است که نه تنها نازی‌ها حداقل 6 میلیون یهودی را کشته‌اند بلکه شاید 5 میلیون نفر دیگر را نیز کشته و در کل تعداد قربانیان حداقل 11 میلیون باشد.

این مقاله می‌افزاید: نوویک در این باره مسئله‌ای بسیار جالب را فاش می‌سازد که انتشار آن (با پشتیبانی یک "منکر هولوکاست ") ممکن است به عنوان "انکار هولوکاست " شناخته شود. رقم 11 میلیون (یا نظریه 5 میلیون قربانی دیگر که به 6 میلیون یهودی افزوده شده است) هیچ معنای تاریخی ندارد. رقم پنج میلیون یا خیلی کم است (برای تمامی شهروندان غیریهودی کشته شده توسط امپراتوری رایش سوم) و یا خیلی زیاد است (برای گروه‌های غیریهودی که مانند یهودیان هدف کشتار قرار گرفته بودند).

این رقم از کجا آمده است؟ گرچه هیچ سندی برای این رقم وجود ندارد اما عموماً پذیرفته شده است سایمون ویزنثال، تعقیب‌کننده مشهور جنایتکاران نازی، اولین کسی است که این رقم را طرح کرده است. او چگونه به این رقم رسیده است؟ "یهودا باوئر "، مورخ اسرائیلی گزارش می‌دهد که ویزنثال در یک گفتگوی خصوصی به او گفته است که این رقم را بسادگی از پیش خود ساخته است.

بطور خلاصه براساس تحقیق نوویک، سایمون ویزنثال یک دروغگو است و بس، رقم 11 میلیون دروغ است. ظاهراً ویزنثال این رقم را از پیش خود ساخته است. بنابراین دفعه بعد که شنیدیم ویزنثال استدلالی در مورد هولوکاست کرده است، این آگاهی

را از پیش داریم. همانطور که "منکران کذایی هولوکاست " بارها گفته‌اند مشکل این است که جزئیات اندک دیگری (البته نه چندان اندک) در مورد هولوکاست وجود دارند که در نظر گرفته نشده‌اند.

نوویک هم‌چنین نکته‌ای جالب را فاش می‌سازد که مبنایی برای استدلال‌های کسانی که "منکر هولوکاست " نامیده می‌شوند فراهم می‌کند؛ منکران هولوکاست مدعی هستند که بسیاری از یهودیان اروپای شرقی که گفته می‌شود در آشویتس با گاز کشته شده‌اند یا در جبهه شرقی نبرد با مسلسل قتل‌عام شده‌اند درواقع در شوروی و مناطق تحت اشغال آن مکانی امن برای خود یافته بودند.

نوویک اظهار می‌دارد که "بزرگترین و تنها رقمی که به تعداد یهودیان (آن یهودیانی که بلافاصله در دوره پس از جنگ ناپدید شدند) افزوده می شود، یهودیان لهستانی است که در طول جنگ به عنوان مهاجر در اتحاد جماهیر شوروی قرار داشتند. آن‌ها پس از توقفی کوتاه در گورستان بزرگ یهودیان که همان لهستان پس از جنگ بود، معمولاً به سفر خود بسوی غرب ادامه می‌دادند. "

بنابراین نوویک عملاً بر اظهارات دکتر والتر سانینگ صحه می‌گذارد (لااقل تا حدودی)؛ سانینگ در مطالعه ساختارشکن خود با نام انحلال یهودیان اروپای شرقی اظهار می دارد که بسیاری از یهودیان اروپای شرقی که گفته می‌شود در اتاق‌های گاز آشویتس کشته شده‌اند در واقع از جنگ نجات یافته و به شوروی و مناطق تحت اشغال آن رفته‌اند.

• موزه یادبود هولوکاست در واشنگتن، محلی برای دروغ پراکنی

نوویک به یکی از برجسته‌ترین تابوهای عرصه روابط عمومی هولوکاست حمله می‌کند و آن موزه یادبود هولوکاست در واشنگتن است که توریست‌ها در آن "باید " از مکان وحشت مادام تساود بازدید کنند، بودجه این موزه از مالیات شهروندان آمریکایی تأمین می‌شود وهر ساله ده‌ها هزار نفر با اتوبوس به آنجا آورده می‌شوند. نوویک در کتاب خود تحریف‌ها و دروغ‌های واضح تاریخی را فاش می‌سازد که در این موزه به توریست‌ها گفته می‌شود. او می‌نویسد: در موزه یادبود هولوکاست آمریکا نمایش شکست در بمباران آشویتس با این ادعا آغاز می‌شود که سازمان‌های یهودی آمریکا بارها از وزارت جنگ خواستند که اردوگاه را بمباران کند و احساس می‌شد که این خواسته مورد اجماع یهودیان آمریکا است. اما این ادعا و این احساس غلط هستند. هیچ سندی از هیچ سازمان یهودی آمریکایی وجود ندارد که در آن از وزارت جنگ درخواست چنین عملیاتی شده باشد. ... برخی گروه‌های یهودی خارج، خواهان این عملیات شده بودند؛ دیگر گروه‌ها با آن مخالف بودند؛ و بسیاری نیز مردد بودند.

این نمایش حاوی نامه‌ای به تاریخ آگوست 1944 بود که از "لئون کوبویتزکی "، رئیس دپارتمان نجات کنگره جهانی یهود، به معاون وزیر جنگ، "جان مک‌کلوی " و بدون امضا ارسال شده بود، در این نامه یکی از اعضای مجلس چکواسلواکی خواستار بمباران آشویتس شده بود. البته نامه یک ماه بعد کوبویتزکی نمایش داده نمی‌شود که در آن مطلقاً با بمباران مخالفت کرده بود به این دلیل که "اولین قربانیان این بمباران یهودیان خواهند بود. "

نوویک می‌افزاید: "خلاصه جلسات هیئت رئیسه آژانس یهود، به ریاست "بن‌گوریون " (که بعدها نخست‌وزیر اسرائیل شد) نیز نمایش داده نمی‌شود که در آن‌ها این ایده بررسی شده و نتیجه این بود که "نباید به متفقین پیشنهاد شود مکان‌هایی که

یهودیان در آن هستند را بمباران کنند ". بنابراین آنچه باید پس از این افشاگری‌های آتش‌افروز نوویک پرسیده شود این است: در موزه یابود هولوکاست آمریکا و دیگر مکان‌های این چنینی، چه دروغ‌های دیگری در مورد هولوکاست گفته می‌شود؟

• خاطرات بازماندگان هولوکاست ، داستان‌هایی جعلی

گرچه نوویک با بازماندگان هولوکاست بیعت لازم را داشته و تأکید کرده است که به عقیده او باید یک بایگانی کامل از گزارش‌های مربوط به هولوکاست ایجاد شود، اما با زیر سوال بردن "خاطرات " نجات‌یافتگان هولوکاست به منطقه‌ای خطرناک گام گذاشته است (و بسیار شبیه به "منکران هولوکاست " شده است)، او می‌نویسد:

در واقع آن خاطرات منابع تاریخی مفیدی نیستند. یا شاید برخی از آن‌ها مفید باشند اما نمی‌دانیم کدامیک این‌گونه هستند. چند سال پیش مدیر بایگانی هولوکاست "یادواشم " در اسرائیل به یک گزارشگر گفت که اکثر 20.000 شهادت‌نامه‌ای که جمع‌آوری کرده است غیرقابل اعتماد است: "بسیاری از شاهدان در مکان‌هایی که ادعا می‌کنند شاهد خشونت و وحشی‌گری بوده‌اند، حضور نداشته‌اند، اظهارات دیگران هم براساس اطلاعات دسته دومی است که دوستانشان یا رهگذران غریبه به آن‌ها گفته‌اند. "

نوویک اشاره می‌دارد که "پریمو لِوی " - که نوویک او را "یکی از مشهورترین شاهدان و نجات‌یافتگان می‌داند " - این پدیده را به این صورت توصیف می‌کند:

بخش اعظمی از شاهدان ... خاطراتی مبهم و تصنعی را نقل کرده‌اند که اغلب برای خودشان ناشناخته بوده و تحت تأثیر اطلاعاتی بوده است که بعدها مطالعه کرده و یا از دیگر داستان‌ها برداشت کرده بودند. ... اغلب ابتدا یک خاطره در ذهن ساخته می‌شود و به شکل یک داستان بیان می شود و در ساختار کلیشه‌ای برده می‌شود ... متبلور، تکمیل و آراسته شده و به عنوان یک خاطره اصل بیان شده و بر این مبنا گسترش می یابد.

نوویک اشاره‌ای هم به "دبورا لیپشتات " مشهور می‌کند؛ او یک شخصیت برجسته در ترویج صنعت هولوکاست است که در اثر عملکرد متملقانه رسانه‌ها در مورد او، تقریباً به نمادی از هولوکاست تبدیل شده است. به گفته نوویک: "هنگامی که اسنادی بدست آیند که نشان می‌دهند یک خاطره مربوط به هولوکاست که بسیار معتبر دانسته شده است، کاملاً جعلی است، آنگاه دبورا لیپشتات که از این خاطرات در آموزش هولوکاست استفاده می‌کند، اعتراف می‌کند که اگر این مسئله پیش آید، مسائل بگونه‌ای به هم پیچیده خواهند شد اما تأکید می‌کند که خاطرات هنوز هم به عنوان یک رمان و داستان بسیار موثر خواهند بود. "

• هولوکاست ، تجارتی پرسود

نوویک تأیید می‌کند که با توجه به بودجه‌گیری جامعه یهود، هولوکاست واقعاً به یک تجارت بزرگ تبدیل شده است، به گونه‌ای که در یک تدبیر برای جمع‌آوری بودجه، موسسات خیریه سنتی که بر مسئله آموزش تمرکز داشتند به خانه‌های سالمندان یهودی که در هولوکاست آزار و اذیت شده‌اند کمک می‌کنند، حتی برای طرح‌های ترویج اطلاعات فرهنگی یهودی بودجه‌گیری می‌شود.

"سم بلزبرگ "، میلیاردر کانادایی – که بیشترین کمک مالی را به مرکز حامی هولوکاست سایمون ویزنثال در لس‌آنجلس کرده است - به این کنایه اشاره کرده و بیان می‌کند که درحالی که موسسه‌های خیریه قانونی یهودی در گرفتاری هستند، با این حال وقتی مسئله بودجه‌گیری در میان باشد هولوکاست همیشه کار خواهد کرد. کتاب نوویک علیرغم کاستی‌هایش، بررسی خیره‌کننده‌ای در این مورد ارائه می‌دهد که چگونه "هولوکاست تا این اندازه در فرهنگ ما بزرگ شده است. " کتاب او از بسیاری جهات عملاً تاریخچه پشت پرده عملکرد جامعه یهودیان آمریکا را از سال 1933 ارائه کرده و حتی بطور عمیق‌تر مطمئناً آخرین کلام را در مورد هولوکاست گفته است، گرچه هرگز قصد این کار را نداشته است.

مفهوم کلی که نوویک ارائه می‌کند این است که اکنون بحث واقعی در جامعه یهودیان این است که آیا هولوکاست باید به عنوان یک واقعه تعیین کننده در فرهنگ، مذهب و تاریخ یهود بطور پیوسته یادآوری شود یا خیر.

• کتاب نوویک ، رهیافتی جدید به هولوکاست

آن‌هایی که از سخن گفتن در مورد هولوکاست لذت می‌برند، در ابتدا از انتشار این کتاب خشنود شدند – چرا که در هر صورت این کتاب در مورد موضوع محبوب یعنی هولوکاست است - اما احتمالاً اکثر حامیان هولوکاست هرگز این کتاب را نخواهند خواند. زیرا اگر این کار را انجام دهند، همانطور که دیدیم واقعیت‌هایی ناخوشایند در مورد هولوکاست را کشف خواهند کرد که ترجیح می‌دهند در "بحث‌های عمومی مورد تأیید " مطرح نشوند.

این واکنش تقریباً بصورت قرینه واکنشی است که با حرارت و سروصدای فراوان نسبت به فیلم فهرست شیندلر اثر استیون اسپیلبرگ، صورت گرفت. بسیاری از مردم که از داستان‌های مربوط به هولوکاست خسته شده بودند این فیلم را بایکوت کردند و اظهار داشتند که علاقه‌ای به دیدن نمایش "کشتار یهودیان با گاز " نیستند، در حالی که درواقع اسپیلبرگ سابقاً هرگز چنین چیزی را نمایش نداده بود.

در حقیقت آن فیلم شاید بیشتر از این لحاظ قابل توجه باشد که اسپیلبرگ هرگز کشتار یهودیان با گاز را در آن نمایش نمی‌دهد. در عوض صحنه‌ای دراماتیک را نمایش می‌دهد که در آن زندانیان یهودی بطور آزاد و آشکار با هم بحث می‌کنند که آلمان‌ها بخاطر یک دلیل اساسی هرگز یهودیان را نابود نخواهند کرد و به این نتیجه می‌رسند که آن دلیل این است: "آنها به ما به عنوان نیروی کار نیاز دارند. "

در هر صورت کتاب نوویک رهیافتی جدید به افسانه هولوکاست که بسیاری از مردم را ناآرام کرده است، ارائه می‌کند. خواندن این کتاب بسیار جذاب است چرا که حکایت‌های جالب و کمتر شنیده شده‌ای را در کنار هم آورده است که در مورد تبلیغ عمومی هولوکاست است، این تبلیغات نتیجه فعالیت‌های پشت پرده‌ای است که تا کنون به این صورت انتقادی و کامل مورد تحلیل و موشکافی قرار نگرفته بود.

دو مجله مشخصاً یهودی به نام‌های "جمهوری جدید " و "ملت مقالاتی " در بررسی کتاب نوویک منتشر کردند، عنوان این مقالات خود به اندازه کافی روشنگر است. عنوان مقاله مجله جمهوری جدید (که در تاریخ 19 و 26 جولای 1999 منتشر شد) "حقیقت بیمارگونه " و عنوان مقاله مجله ملت (که در تاریخ 12 جولای 1999 منتشر شد) "اصول آفرینش هولوکاست " است. (که سوءاستفاده‌ای آشکار از "تجدیدنظرطلبی هولوکاست " است، یعنی موضوعی که بسیار در مورد آن بحث شده و به

اشتباه – از جمله توسط خود نوویک - "انکار هولوکاست " نامیده می‌شود). واضح است که کتاب نوویک باعث شده است که بسیاری از مردم احساس ناراحتی کنند. این تنها "منکران هولوکاست " نیستند که اوضاع را برهم می‌زنند.

حقیقت این است که کسانی که "منکر هولوکاست " نامیده می‌شوند، جزئیات تاریخ را بررسی کرده و بیان کرده‌اند که هولوکاست به آن صورت که به ما گفته شده، نبوده است.

اما در عین حالی که تجدیدنظر طلبان هولوکاست آرایش گسترده‌ای از نوشتجات را ترتیب داده‌اند، بسیاری از تلاش‌ها و کتاب‌های آن‌ها به اندازه‌ای طولانی و پیچیده است که نیازمند زمینه تاریخی و علمی زیادی است و مردم عامی و معمولی، زمینه لازم برای فهم آن را ندارند. نتیجه این است که درخت‌ها مانع این می‌شوند که فرد جنگل را ببیند.

عدم موفقیت در گرفتن نتایج سیاسی از تحقیقات تجدیدنظرطلبانه، یک فاجعه واقعی است. تجدیدنظرطلبان هولوکاست بایستی بیاموزند که یافته‌های مسلماً بحث‌برانگیز خود را به مخاطبان گسترده‌تری ارائه کنند.

کسانی که از افسانه‌های هولوکاست حمایت می‌کنند منابع گسترده‌ای را در اختیار دارند و منابع تجدیدنظرطلبان هولوکاست درمقابل آن ناچیز است: آن‌ها باید صرفاً بر هوش و ابتکار خود متکی باشند. آن‌ها با رسانه‌هایی متخاصم و جامعه‌ای که با وجود شیفتگی رسانه‌ها به هولوکاست، به ندرت اهمیتی به این موضوع می‌دهند، روبرو هستند.

• نفوذ هولوکاست در جنبه‌های گوناگون زندگی مردم آمریکا

نوویک، پدیده‌ای که ما آن را "هولوکاست بی‌پایان " در رسانه‌ها می‌نامیم را بگونه‌ای بی‌پرده توصیف می‌کند که موجب ناراحتی کسانی می‌شود که معتقدند سلطه یهودیان بر رسانه‌های آمریکا یک "شایعه " است. نوویک صادقانه تصدیق می‌کند که، یهودیان نقشی مهم و تأثیرگذار در هالیوود، صنعت تلویزیون و دنیای انتشار روزنامه، مجله و کتاب بازی می‌کنند. هرکس که توجه گسترده رسانه‌ها به هولوکاست در سال‌های اخیر را بدون ارجاع به این واقعیت توصیف کند، یا ساده‌لوح است و یا فریبکار.

هم‌چنین تمامی سیاستمداران معتبر آمریکا امروزه تلاش فراوانی می‌کنند که در هر فرصت ممکن به هولوکاست اشاره‌ای داشته باشند، نوویک با کنایه‌ای آشکار اظهار می‌دارد که این تمجیدات از اسرائیل توسط سیاستمداران (و لفاظی در مورد هولوکاست) در واقع نوعی تکلم بطنی و "عملی مقدس " است؛ این نتیجه‌گیری مطمئناً موجب ناراحتی کسانی (خصوصاً یهودیان آمریکایی) می‌شود که معتقدند وقتی سیاست‌مداران از اسرائیل تمجید می‌کنند و بخاطر تراژدی هولوکاست ابراز تأسف می‌کنند، منظورشان واقعاً همان چیزی است که می‌گویند.

به گفته نوویک: "درست شبیه احوال‌پرسی تشریفاتی که در آن در مورد سلامتی یکدیگر ابراز نگرانی می‌کنیم (حال شما چطور است؟)، تصدیق تشریفاتی قربانی‌بودن دیگر گروه‌ها، یک حرکت ارزنده و از روی حسن‌نیت است. اما فرد باید مراقب باشد که تصور نکند این سپاسگذاری‌ها نشان‌دهنده احساسات عمیق و طبیعی است ... "

نوویک بدرستی می‌افزاید که "پاداش سیاسی برای حمایت از اسرائیل روشن و قابل‌توجه است؛ از سوی دیگر [عدم حمایت] فقط شرایط را سخت‌تر می‌کند ... در روابط متقابل میان (کمیته‌های عملیات سیاسی (PAC) یهود) و قانون‌گذاران، ترس و حرص حکم می‌کند. "

او هم‌چنین فاش می‌سازد که کلمه کلیدی جدید که به "سنن یهودی-مسیحی " اشاره دارد، محصول تبلیغات دوران جنگ است که با اهداف سیاسی جعل شده و هیچ مبنای در وقایع تاریخی یا تاریخچه آموزه‌های یهودی یا مسیحی ندارد.

به گفته نوویک، "در دوران هیتلر بود که آمریکایی‌های حامی یهود، "سنن یهودی-مسیحی " را ابداع کردند تا با گفتمان بی‌گناه یا نه‌چندان بی‌گناهی که از حمله استبدادی به "تمدن مسیحی " سخن می‌گفت مبارزه کنند. " بطور خلاصه این اصطلاح با این هدف ابداع شد تا این تصور را از بین ببرد که چیزی به عنوان "تمدن مسیحی " در بالاترین سطح وجود دارد.

نوویک اشاره می‌کند که حتی در دوران جنگ، تبلیغات رسمی دولت آمریکا (و هم‌چنین تا حدودی جامعه یهود) علیه آلمان‌ها باعث کم‌اهمیت شدن رفتار آلمان با یهودیان شد. در واقع به گفته نوویک اتحادیه ضدافترا (ADL) بی‌نای بی‌ریث بسیار نگران بود که آمریکایی‌ها یهودیان را بخاطر جنگ مقصر بدانند. بلافاصله بعد از حادثه بندر پیرل رئیس ADL هشدار داد که این جنگ "صدها هزار خانواده داغ‌دیده، در پی خواهد داشت که بخش قابل‌توجهی از آن تحت تأثیر این عقیده بودند که این جنگ، جنگی یهودی است. "

نوویک فاش می‌سازد که لئو روستن – نویسنده‌ای یهودی و رئیس بخش تبلیغات ویژه ضدآلمان در دفتر اطلاعات جنگ که با نام دپارتمان "ماهیت دشمن " شناخته می‌شد - از تأکید بیش از حد بر جنایات نازی‌ها علیه یهودیان، هراس داشت.

روستن و رهبران یهود مشاهده کرده بودند که یهودستیزی فراوانی در میان سربازان ارتش آمریکا وجود دارد که ممکن بود منتج به همدردی سربازان آمریکایی با آلمان‌ها شود. (این یکی از دلیلی بود که ژنرال آیزونهاور، بلافاصله پس از تسلیم شدن آلمان دستور مشهور "عدم دوستی " را صادر کرد و سربازانی که روابط شخصی با آلمان‌ها داشتند را مجازات کرد).

به گفته روستن: "اگر مسئله جنگ با هیتلر و نازی‌ها منحصراً یهودی نباشد، تأثیر بیشتری بر آمریکایی‌های معتدل خواهد داشت. " به عقیده نوویک با در نظر داشتن این مسئله تبلیغات‌چیان آمریکایی تلاش کردند که نازی‌ها را "دشمن همه، نشان دهند تا بجای محدود کردن حوزه قربانیان نازی‌ها، آن را گسترش دهند. "

پروفسور پیتر نوویک اظهار می‌دارد که در بحث عمومی در مورد هولوکاست "بیش از همه از متن اعتراف مارتین نیمولر درمورد شکست اخلاقی‌اش در دهه 1930، نقل قول شده است که بیان می‌دارد ":

ابتدا آن‌ها به دنبال کمونیست‌ها آمدند، اما من کمونیست نبودم، بنابراین چیزی نگفتم. سپس به دنبال سوسیال دموکرات‌ها آمدند، اما من سوسیال دموکرات نبودم، پس کاری نکردم. بعد به دنبال اعضای اتحادیه‌های کارگری آمدند، اما من عضو این اتحادیه‌ها نبودم. و آنگاه به دنبال یهودیان آمدند ولی من یهودی نبودم و چیزی نگفتم. سپس وقتی به دنبال من آمدند دیگر کسی باقی نمانده بود که از من حمایت کند.

با این حال نوویک فاش می‌سازد که ترجمه‌های مشهوری که از این نقل قول در آن استفاده شده است، کاملاً دقیق نیستند. او در کتاب هولوکاست و زندگی آمریکایی فاش می‌سازد که چگونه بی‌رحمانه از این نقل قول سوءاستفاده شده است:

مجله تایم، "ال گور " معاون رئیس جمهور، و سخنگوی کنوانسیون جمهوری‌خواهان در سال 1992، با جابجا کردن یهودیان در لیست نیمولر از جایگاه آخر به اول، از دایره‌المعارف هولوکاست پیروی کرده و گفته‌اند: "اول آن‌ها به دنبال یهودیان آمدند.

" تایم، ال گور و سخنگوی جمهوری‌خواهان، کمونیست‌ها و سوسیال دموکرات‌ها را نادیده گرفته‌اند؛ ال گور اعضای اتحادیه‌های کارگری را نیز نادیده گرفته است.

هر سه کاتولیک‌ها را (که در لیست اصلی نیمولر وجود نداشتند) به این لیست افزوده‌اند.

در نسخه‌ای از این نقل قول که در موزه یادبود هولوکاست در شهر بوستون، یک شهر کاملاً کاتولیک، قرار دارند نیز، کاتولیک‌ها به لیست افزوده شده‌اند. موزه یادبود هولوکاست آمریکا، لیست اصلی و ترتیب آن را حفظ کرده و فقط با احتیاط کمونیست‌ها را حذف کرده است. در دیگر نسخه‌ها هم‌جنس‌بازان نیز به لیست نیمولر افزوده شده‌اند.

بطور خلاصه، به نقطه اول باز می‌گردیم و عبارت "سنن یهودی - مسیحی " چیزی بیش از تبلیغات دروغین دوران جنگ نیست. علی‌رغم تصور رایج امروزی این مفهوم، موضوعی جعلی است و هیچ ارتباطی با آموزه‌های الهی ندارد. این باعث روشن‌تر شدن اصطلاحی می‌شود که اکثراً مورد سوءاستفاده قرار گرفته و در واقع در تمامی بیانیه‌هایی که از این موضوع مذهبی ممنوعه سخن گفته شده است، الزاماً بکار رفته است.

بنابراین گرچه کمیته یهودیان آمریکا در مبارزه با نمایش سنتی آمریکایی دلبستگی‌های مذهبی، نقش مهمی را ایفا می‌کند، مفهوم جعلی "سنن یهودی - مسیحی " هنوز هم یک ابزار تبلیغاتی مفید برای جاودان‌سازی داستان هولوکاست است.

• قربانی بودن ، سرمایه یهودیان

با این حال علی‌رغم تمامی مخالفت‌های عمومی غیریهودیان در مورد فجایع هولوکاست، نوویک گمان می‌کند که "دلسوزی برای هولوکاست برای اکثر آمریکایی‌ها یک ژست عرفی و مطمئناً با حسن‌نیت در برخورد با یهودیانی است که خواهان این ژست هستند؛ یک اظهار دلسوزی بی‌هزینه که آن‌ها به عنوان انسان‌هایی نجیب نسبت به کشتار یهودیان اروپا از خود بروز می‌دهند. "

شاید یک نمونه عالی از این پدیده (همانطور که نوویک اشاره می‌دارد) شخصیت تلویزیونی، اپرا وینفری باشد که زمانی با جدیت گفته بود: "من با دیدن فیلم فهرست شیندلر به انسان بهتری تبدیل شدم. " شاید خانم وینفری واقعاً چنین منظوری داشته باشد. شاید هم اینگونه نباشد، یعنی شاید واقعاً این منظور را نداشته باشد که بسیاری از یهودیان آمریکایی می‌ترسند که "این هولوکاست ممکن است در آمریکا رخ دهد. " نوویک می‌گوید که در اوایل دهه 1970 واشنگتون پست در مصاحبه با شخصیت‌های برجسته یهودی این سوال را پرسیده بود که: "به نظر شما ممکن است [هولوکاست دیگری] دراینجا رخ دهد؟ " پاسخ این بود: "اگر شما بطور کلی با تاریخ آشنا باشید نمی‌گویید ممکن است این مسئله رخ دهد بلکه می‌گویید احتمالاً این مسئله روی خواهد داد " یا "موضوع رخ دادن یا ندادن آن نیست بلکه زمان رخ دادن آن است. "

موضوع "یهودستیزی " به مدت‌ها پیش از هیتلر بازمی‌گردد و در کاریکاتورها با عنوان "ملت برگزیده " نمایش داده می‌شد؛. در یکی از این کاریکاتورها یک دوره‌گرد یهودی که وسایل، موزیک، شعر، سیاست، علم، ادبیات، میهن‌پرستی – و سفته - را با خود حمل می‌کند به بیسمارک، صدراعظم آلمان (با عصای سلطنتی) و هتل‌داران آمریکایی، هیلتون و کوربین که او را از هتل‌شان بیرون کرده‌اند دهن‌کجی می‌کند و به شکنجه‌گران غیریهودی خود می‌گوید: "من هجده قرن است که با این چیزها پیشرفت کرده‌ام؛ آقایان محترم ادامه بدهید، آزار و اذیت به تجارت من کمک می‌کند. "

بنابراین احتمالاً یهودیان آمریکا در حال فعالیت برای جلوگیری از یک "هولوکاست دیگر " هستند. در عین حال – بطرزی غیر قابل توضیح - به نظر می‌رسد که آن‌ها از فجایع گذشته لذت می‌برند.

از قرار معلوم یک سری تفکرات مشخص به این صورت وجود دارند که یهودیان امروزی در آمریکا و سراسر جهان خصوصاً اسرائیل بخاطر قربانی بودنشان، وضعیتی خاص دارند که این وضعیت در اظهار نظر دیوید سینگر از کمیته یهودیان آمریکا نیز مشهود است، او می‌گوید منکران هولوکاست به دنبال غارت سرمایه اخلاقی یهودیان و کشور اسرائیل هستند. " در واقع قربانی بودن به یهودیان و اسرائیل وضعیت خاص یا به گفته سینگر "سرمایه‌ای اخلاقی " داده است.

به گفته نوویک یهودیان امروزه "به نظر می‌رسد که به هولوکاست افتخار می‌کنند، " و به فجایع آن می‌بالند. با این حال نوویک نتیجه می‌گیرد که "به نظر می‌رسد [فیلسوف یهودی] امیل فکنهایم درست می‌گوید که فراموش کردن قربانیان هیتلر توسط یهودیان به منزله این است که "پیروزی پس از مرگ " هیتلر را به او اعطا کنند. " نوید می‌افزاید "اما پیروزی پس از مرگ بزرگتر برای هیتلر این است که بطور ضمنی تعریف او از ما به عنوان موجوداتی پست را با تبدیل کردن هولوکاست به تجربه نمادین یهودیان، تأیید کنیم. "

همانطور که درمقاله مجله ملت آمده است در دوره پس از جنگ این مسئله متفاوت بود و "یهودیان خود را به عنوان یک گروه از گروه‌های بسیار زیادی می‌دانستند که دچار خسارات فراوان و اندوه‌آوری شده‌اند " مثل هزاران خانواده آمریکایی که پسران خود را در نبردهای نظامی برای نجات یهودیان اروپا از دست دادند.

بنا بر مقاله مجله جمهوری جدید، نوویک تا اندازه‌ای معتقد است که "ما بیش از حد هولوکاست را یادآور می‌شویم ... و همانطور که مجله جمهوری جدید اظهار داشته یهودیان آمریکا به وفاداری به آیین دینی مرگ قسم خورده‌اند. " و آنگاه همانطور که مجله ملت بیان می‌کند: "نوویک عقیده خود را اینگونه بیان می‌کند: وضعیت فعلی آگاهی از هولوکاست برای یهودیان خوب نیست. این وضعیت مسیری منفی برای یهودیان برای ابراز خود به عنوان یک ملت ایجاد کرده و مسیری مخرب برای برقراری رابطه میان یهودیان و دیگران فراهم ساخته است. "

نوویک اشاره می‌دارد که برخی از رهبران جهان یهود نگاهی مثبت دارند و اینگونه تصور نمی‌کنند که مردم جهان به دنبال ایجاد "هولوکاستی دیگر " علیه یهودیان هستند. گرچه شخصی به زیبایی گفته بود که "روزنامه‌های یهودی امروزی تماماً در مورد تاریخچه کسانی که یهودیان از آن‌ها متنفرند و کسانی که به اعتقاد یهودیان، از یهودی‌ها متنفرند، است " همه یهودی‌ها صرفاً به دنبال این نیستند که یک لیست کامل از دشمنان حقیقی و کسانی که تصور می‌شود دشمن یهودیان هستند، داشته باشند.

به گفته نوویک هنگامی که نخست وزیر وقت اسرائیل، اسحاق رابین از یهودیان خواسته بود که بیشتر در مورد دوستان و دشمنانشان صحبت کنند و روزنثال، سردبیر یهودی نیویورک تایمز، علناً با این نگاه مثبت رابین مخالفت کرد، هنری سیگمن –رئیس کنگره یهودیان آمریکا که خود را یک نجات‌یافته از هولوکاست می‌داند- در عمل اینگونه واکنش نشان داد که اظهارات رابین "کاملاً آزادانه " است. "

بنابراین امیدهایی برای کسانی که می‌خواهند یهودیان را به جریان اصلی جامعه برگردانند وجود دارد، کسانی که نمی‌خواهند ببینند یهودیان با تأکید بر تهدید فرضی که از جهان غیریهود، نسبت به یهودیان وجود دارد، به منزوی کردن خود ادامه می‌دهند.

با این حال نوویک اظهار می‌دارد که: "در سال‌های اخیر برای یهودیان آمریکا نه تنها مجاز بلکه در برخی محافل ستودنی شده است که وفاداری به یهود را برتر از وفاداری به آمریکا بدانند، " خاخام هاسکل لوکستین در این خصوص گفته است: "ما در درجه اول یهودی هستیم و بقیه موارد در درجه دوم قرار دارند. "

در واقع در پایان اکثر آمریکایی‌ها عملاً جرم هولوکاست را بر عهده نمی‌گیرند و احساس شرمندگی نمی‌کنند. آن‌ها شب‌ها را بخاطر افسانه 6 میلیون یا 7 میلیون یا 11 میلیون (رقم جعلی سایمون ویزنثال) یا حتی 40 میلیون – رقمی که زمانی ادعا می‌شد - بی‌قرار نخواهند بود.آن‌ها خود را با "اختلالات روحی " –تعبیر نویسنده یهودی، سیلویا تننبام- آشفته نمی‌کنند؛ کسانی به این اختلالات مبتلا هستند که "در افسانه‌های گوناگون هولوکاست غوطه‌ور هستند " و برنارد واسرستین، نویسنده یهودی این اختلالات را با طعنه، "عقده مرده‌گرایانه " می‌نامد.

بسیاری از نویسندگان یهودی همینگونه فکر می‌کنند. دکتر آلفرد لیلینتال یهودی، یکی از اولین منتقدان آمریکایی اسرائیل، گفته است که هولوکاست "یک آیین دینی و حکومت دینی " در میان کسانی است که تحت سلطه فکری اسرائیل هستند. لئون ویسلتیر، فرزند نجات‌یافتگانی از هولوکاست، که یک یهودی معترض است با صراحت می‌گوید که مرکزیت هولوکاست برای یهودیان آمریکا "عملاً بصورت یک آیین مرگ محسوب می‌شود. "

ویسلتیر با شجاعت و تعجب می‌پرسد که چه تعداد از یهودیان آمریکا "در مورد شاعران قرون وسطی یهود، دارائی فرهنگی و فلاسفه یهودی چیزی می‌دانند؟ "

افراد درست اندیش از هر نوعی که باشند با اظهارات اسحاق رابین در سال 1995 در رد تقاضای تحقیق درمورد جنایات جنگی طولانی مدت اسرائیل علیه زندانیان سیاسی مسلمان و مسیحی فلسطینی، موافق هستند. او اظهار داشته بود که: "قصد نداریم که اتفاقات گذشته را – نه در مورد ما و نه در مورد فلسطینیان - بازخوانی کنیم. "

حق با رابین است. اظهارات او می‌تواند در مورد هولوکاست هم بکار رود. یک بار دیگر به این جمله توجه کنید: "قصد نداریم که اتفاقات گذشته را –نه در مورد ما و نه در مورد آن‌ها- بازخوانی کنیم. "

این تمام آن چیزی است که می‌خواستیم از حامیان هولوکاست بشنویم، و می‌دانیم آن‌ها چه باید بگویند. پیام آن‌ها تا اندازه‌ای شایع است و در کتاب‌ها، روزنامه‌ها، تلویزیون و رادیو ارائه شده است که در واقع فرار از هولوکاست در آمریکا ممکن نیست.

در اثر کار محققان منصف – همان کسانی که منکر هولوکاست خوانده می‌شوند و حقایق جدیدی را ارائه کرده و افسانه‌های گذشته را کنار زده‌اند - ما می‌توانیم با حذف هولوکاست از مباحث تاریخی وارد قرن 21 شده و از نو شروع کنیم.

هولوکاست تمام شد. دیگر از هولوکاست سخن نگویید.

منبع : خبرگزاری فارس

This document was created with Win2PDF available at http://www.daneprairie.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.